

I have found out ..., I have found out

متوالی عده زیادی زحمت کشیده‌اند تا استفاده از لغات غیررایج عربی را در زبان گفتاری و نوشتاری ما جا بیندازند تا به غنای این زبان کمک شود، اما چنانکه باید و شاید موفق نشده‌اند، آن وقت ما چند نفر چلغوزه^۱، بی آنکه بضاعت مزجانی هم داشته باشیم قصد داشتیم کاری کنیم تا مردم را واداریم هرچه بیشتر از لغات انگلیسی استفاده کنند تا به دنیا نشان دهیم که بله:

اولاً یونسکو خیلی شکر خورده که اعلام کرده فارسی از زبانهای زنده و پویای دنیاست و قابلیت واژه‌سازی بسیار دارد.

و ثانیاً به مردم دنیا ثابت کنیم که برخلاف تبلیغات سوء دشمنان، ما ملت یک دنده‌ای نیستیم و دودستی به آداب و رسوم و زبان مادریمان نجسیده‌ایم و هرگونه ترقی و تعالی را در همه امور می‌پذیریم. از جمله حاضریم نشان بدهیم از خود انگلیسی زبانها هم بهتر می‌توانیم اصطلاحات و لغات این زبان را در گفتگوها و نوشته‌های روزانه‌مان بکار گیریم.

وقتی کمیت ما در همین یک زمینه لنگ می‌زد خودتان حدس بزنید در زمینه‌های دیگر چقدر لنگ می‌زدیم...؟

داشتیم ناامید می‌شدیم. ناامید از این که نشود نسخه‌ای پیدا کرد که جوابگوی رفع تمامی دردها، کمبودها، عقب‌ماندگی‌ها و نابسامانی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ما باشد.

این اواخر با چنین روحیه ضعیفی جلسات نیم‌بندی تشکیل می‌دادیم، به آخرین نسخه‌های روزنامه‌های داخلی و خارجی نگاهی می‌انداختیم، چند جمله‌ای رد و بدل می‌کردیم و ناامیدتر از گذشته جلسه را به انتها می‌رساندیم.

در این جلسه آخری دیگر وضعمان حسابی خیط بود. حال و حوصله نداشتیم. در چنته هیچکدامان حرفی برای گفتن باقی نمانده بود. الکی روی کاغذها خط می‌کشیدیم، یا سرسری به روزنامه‌ها و بولتنها نگاهی می‌انداختیم.

من شخصاً توی این فکر بودم انحلال انجمن را اعلام کنم. دنبال کلماتی می‌گشتم که رسا باشد و بتواند شکوه شکست ما را نشان دهد... ضمناً برای آنکه همرنگ جماعت حاضر باشم روزنامه‌ها و بولتنها را ورق می‌زدم. در این میان چشمم افتاد به خبرنامه سازمان عمران کرمان، و چون شنیده بودم مسئول انتشار این بولتن رفیق و همکار قدیمی‌ام مهدی شرف‌الدینی است، برای ارزیابی کارش کمی در محتویات آن دقیق شدم.

به صفحه دوم آن که رسیدم و مندرجاتش را خواندم ناگهان و بی‌اختیار فریاد زدم:

I have found out ..., I have found out

چون اهل علم می‌دانند داستان I have found out چیست و ممکن است

نوعی سوء تفاهم منکرانی پیش بیاید لازم است توضیحی بدهم...

یک ارشمیدسی بود یونانی که در خدمت پادشاه سیراکوز بسر می‌برد. برای شاه سیراکوز تاجی از طلا ساخته بودند و شاه که می‌خواست مطمئن باشد تاج او را از طلای ناب ساخته‌اند به ارشمیدس دستور داده بود راهی برای تعیین خلوص طلا پیدا کند. ارشمیدس بیچاره که البته خیلی اختراعات و اکتشافات کرده بود، در حل این یکی معما عاجز ماند. رفته رفته حوصله شاه کم و کمتر می‌شد و وضع ارشمیدس به وخامت می‌گرائید.

یک روزی که ارشمیدس لخت شده بود تا حمام کند، وقتی وارد وان پر آب شد دید مقداری از آب وان سرریز کرد و به بیرون ریخت و از همین رویداد فهمید که می‌شود با استفاده از مایعات وزن مخصوص هر چیزی را تعیین کرد. از این کشف چنان



نوشته محمد حیدری

حضور باهر النور شما سروران عظام و مولیان گرام باید معروض افتد که این حقیر و فقره‌ای چند از احباب و ابرار که جملگی ذوفنون که لا، جمیع الفنون هستیم در سنوات ماضی انجمنی تشکیل داده بودیم تا حول مهمات چندی به مشاورت اهتمام نمائیم و غوامض امور جاریه را بر سیل نفحص و تجسس به دایره بحث و مناظره کشانده و به یک مختصر نتایجی برسیم که سبب تهاون^۱، اعداء و تعالی احباب^۲ گردیده و خلق الناس را به شوارع^۳ مستقیم هدایت نموده و شعبده^۴ عمله‌جات مستکبران استثمارگر را خشنی نموده و ارواح و اجسام ما را در قبال Education Invasion^۵ حراست کرده و اسباب ترقیات کافیه موطن آباء و اجدادی ما را در اموری از قبیل^۶ Industry و Commerce^۷ و Farming^۸ و ect... همان قس علیهذا باشد مهیا سازد.

بلحاظ آن که این رقعہ برای فهم عوام به کتابت درمی‌آید، و تا همین جای مطلب مجبور شده‌ام هشت فقره ارجاع به پاورقی ذکر کنم، لذا بقیه عرایض را به همان زبان عوامانه خودمان می‌نگارم، الا در جاهایی که جبراً باید کلماتی به کار برده شود تا افاده معنی کند.

الفرض... انجمن ما که صد البته از نوع انجمنهائی نیست که باید مجوز مربوطه را از وزارت کشور کسب کند، هفته‌ای یکبار تشکیل می‌شد و ما می‌کوشیدیم با بحث و فحص، و غور در متون کهن و نو یک راه حل جامعی بیابیم که تمامی مشکلات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی را یک ضرب حل و فصل کند و قال قضیه را بکند و به دورانی که برادران مسئولان امور مجبور باشند برای حل هر مسأله و یافتن راه چاره برای هر مشکل سمینار و کنفرانس تشکیل دهند و اوقات گرانبهایشان را در کنفرانسهای محقر و کم خرج داخلی و سفر به اقصی بلاد شرق و غرب و جنوب و شمال هدر دهند، پایان بخشد و یک نسخه کامل و جامع ارائه دهیم که در مانگر هر دردی، و اگر گشای هر مشکلی باشد.

اگر حمل بر خود ستانی نفرمائید و نگوئید تخم‌دوزده نکرده، انتظار دان و دانه داریم، باید به عرض برسائیم خیلی زور زدیم تا بلکه یک تخم دو زرده‌ای برای حل غوامض امور مملکت بکنیم، اما نشد که نشد. به مصداق فرموده شاعر، این اواخر متوجه شدیم که بله

کار هر بز نیست خرمن کوفتن
گاو نو می‌خواهد و مرد کهن
جداً که ما نه مرد کهن هستیم، نه گاو نو و نه حتی بز!
مگر در همین حیطة تهاجم فرهنگی کاری از دست ما ساخته است؟ چند سال

هیجان زده شد که همانطور لخت و پتی از حمام به بیرون دوید و به زبان یونانی (یا شاید هم سیرا کوزی) فریاد زد: یافتم... یافتم... انگلیسی زبانها به جای یافتم، یافتم، می‌گویند I have found out و بنده چون نه یونانی بلدم و نه رومی یا سیرا کوزی، ناچار در آن جلسه از همین اصطلاح انگلیسی استفاده کردم.

این توضیح را از آن جهت دادم که بدانید اینجانب مثل جناب ارشمیدس در حمام نبوده‌ام که لخت و عور یا به قول انگلیسی‌ها bare بدوم توی خیابان و به قیمت جریحه‌دار کردن عفت عمومی داد بزنم یافتم... یافتم. خیر بنده در جلسه و با لباس کامل داد زدم: یافتم... یافتم.

حالا می‌پرسید چه چیز را یافتم؟ Don't hurry up... عجله نکنید wait minut... یک دقیقه صبر کنید... اول باید یک مقدمه‌ای را خدمتان ارائه دهم.

داستان این است که یک «گردهمایی آزاد» برای «شناخت امکانات و مزایای سرمایه‌گذاری در منطقه ویژه تجاری، صنعتی سیرجان» تشکیل می‌شود و در آنجا برادر ترکان وزیر راه و ترابری یک سخنرانی ایراد می‌فرمایند که با همه کوتاهی و ایجاز، تکلیف تمامی سئوالات، ابهامات، تنگناها، معضلات و غیره و غیره ما را، در زمینه‌های توسعه، تهاجم فرهنگی، حمایت از زبان فارسی، صنعت، تجارت، کشاورزی (و باز هم و غیره و غیره) روشن کرده است.

در واقع آن کاری را که ما چند نفر محقق کوشا، و هزاران محقق غیرکوشا، یا نیمه کوشا، طی سالیان سال نتوانسته‌ایم انجام دهیم، برادر ترکان در یک سخنرانی انجام داده‌اند. می‌گویند نه، پس فقط یک قسمت از سخنرانی ایشان را بخوانید تا خودتان اذعان کنید، ایشان چه درفشانی بی‌نظیری کرده‌اند.

... بحثی را که من الان و امروز می‌خواهم درباره آن صحبت کنم این است که چگونه نرخها باید رقابتی بشود؟ امروز رقابتها در دنیا بسیار سخت و فشرده است و همانطور که خیلی از عزیزان دست اندرکار صنعت مطلع هستند، اگر امروز دیوار تعرفه را برداریم و قرار باشد که تولیدکنندگان دیگر هم بتوانند کالاها را بفروشند، خیلی از کشورها نمی‌توانند تولیدات ملی خود را حفظ کنند. این اتفاقی است که امروز در دنیا پیش آمده و به طور جدی به اسم «گت / گات / GATT» یا توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت در حال تکوین است. «گات» دیگر امروز یک واقعیت است. بیش از چهار سال در اطراف «گات» مذاکره می‌شد تا امروز که کشورهای زیادی به این توافقنامه پیوسته‌اند. بعید نیست که دیگران هم که دارند بررسی می‌کنند به هر حال بپذیرند. البته با پیوستن به «گات» دیگر نمی‌شود دیوار تعرفه‌ها و تولیدات داخلی را حمایت کرد. چون همه امضاءکنندگان باید به همان تعرفه عمل کنند که اعضای «گات» پذیرفته‌اند. باز از این مرحله یک قدم هم جلوتر رفته‌اند، «گات» تبدیل شده است به World Trade Organization یعنی «سازمان تجارت جهانی». یعنی همانطور که امروز سازمان بهداشت جهانی داریم و سازمان هواشناسی جهانی و یا سازمان دریانوردی جهانی و سازمان جهانی هوانوردی، تبدیل شدن «گات» به «WTO» هم یک گام به جلو محسوب می‌شود و نشان می‌دهد که «توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت» واقعیتی است که اگر می‌خواهیم در بازارهای جهانی نقشی داشته باشیم، نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم.

«WTO» درست شده و سازمان تجارت جهانی به وجود آمده و همه کشورها دارند به آن می‌پیوندند. در یک چنین شرایطی، وارد شدن به بازار جهانی، سخت‌تر و رقابت کردن پیچیده‌تر است. دقت در رقابتها آقدر بالا رفته که حتی روشهای تازه‌ای در حمل و نقل و در تدارکات به وجود آمده است. حتماً آقایان با «GIT» آشنایی دارند. مجموعه حمل و نقل و تجارت در جهان امروز تلاش می‌کند که منبیم توقف را برای سرمایه ایجاد کنند، تا رقابتها نتیجه بخش باشد. بعضی کشورها حتی ترجیح می‌دهند که خط مونتاژ نهایی اتومبیل را فرضاً روی همان کشتی برقرار کنند که در فاصله دو ماه و نیم عازم آمریکاست. حتماً این را شنیده‌اید که «Final Assembly» را برده‌اند روی عرشه کشتی‌ها و همانجا

روی کشتی، قطعات «CKD» را در طول راه که دو ماه و نیم از ژاپن تا آمریکا طول می‌کشد، مونتاژ و در کشتی ذخیره می‌کنند و در نهایت در آمریکا اتومبیل پیاده می‌شود. این تمهیدات برای این است که دو ماه و نیم خواب سرمایه کمتر باشد. آنها به درستی دریافته‌اند که اگر مواد اولیه تولید یک زمان طولانی بخواهد و یا محصول تولیدی یک زمان طولانی در انبارها متوقف بماند، قدرت رقابت در بازار کم می‌شود. چه بسا یک توقف شش ماهه سرمایه به این اشکال، تا ۱۰٪ در قیمت تمام شده محصول تأثیر می‌گذارد. با نرخهای بانکی ایران رقم بیشتر از این است. باید جستجو کرد و آن راهی را که برای رسیدن به قیمت‌های رقابتی معقول است، پیدا کرد. باید زمان توقف سرمایه را به حداقل برسانیم. لذا، امروزه نظریه «انبار صفر» پیدا شده است: «Zero stock Theorie».



نظریه «انبار صفر» می‌گوید «کف کامیونهای دنیا، انبارهای ماست». زیرا ترجیح نمی‌دهند که تحت هیچ شرایطی میلیونها دلار سرمایه، به عنوان مواد اولیه در انبارها متوقف بماند تا بعداً آنها را مصرف کنند و یا آن محصولی تولید کنند. با یک نظام برنامه‌ریزی شده ترجیح می‌دهند که از کف کامیونهای دنیا (یعنی فقط در طول زمانی که مواد و کالاها اجباراً جابجا می‌شوند) به عنوان انبار استفاده شود. یعنی کالا مستقیماً می‌رود پای خط تولید و از آن طرف محصول آماده تحویل خریدار می‌شود. بنابراین نظریه «انبار صفر» می‌خواهد هرگونه توقف مواد اولیه در انبار و یا توقف محصول در انبار را از بین ببرد. «J.I.T.» هم از اینجا پیدا شده است. (Just In Time) برای اینکه بتواند کالا را درست سر موقعی که لازم است به خط تولید برساند و باز یک قدم جلوتر، بعد از «J.I.T.» اینست که حمل و نقل در دنیا به سمت «Logistic and distribution» گشاده شده است. یعنی مؤسسات حمل و نقل، فقط حمل و نقل نکنند، بلکه خدمات توزیع و لجستیک، را هم انجام دهند. کالا را تدارک و مستقیماً توزیع کنند...

ملاحظه فرمودید که چگونه کلی از مشکلات ما حل شده و ما بی‌خبر مانده‌ایم. حالا قبول دارید که نباید از این که خارجی‌ها به ما ایراد بگیرند بلد نیستیم در حرفه‌ایمان چند کلمه انگلیسی بکار ببریم نگران باشیم. اذعان دارید که موانع صادراتی ما حل شده است و دیگر نباید دلمشغول مسأله حمل‌کالاهای صادراتیمان باشیم؟ چه خیال کرده‌اید؟! ما حتماً تا حالا Final Assembly را برده‌ایم روی کشتی و قطعات "CKD" را در راه مونتاز و ذخیره می‌کنیم و همین که کشتی به بنادر آمریکای برسد پیکانهای تمیز و براق را به آمریکائی‌ها می‌فروشیم.

Shut up , Shut up

این خفه شوید را بنده خطاب به معاندینی می‌گویم که ممکن است بگویند ما که با آمریکای رابطه نداریم، چطور می‌توانیم به آنها پیکان بفروشیم؟ این حضرات عمدی می‌خواهند آمار گمرک را مغشوش کنند تا بعداً به اهداف شوم خود برسند، وگرنه کیست که نداند ما همین سال گذشته حدود نهصد میلیون دلار از آمریکا واردات داشته‌ایم. لذا، وقتی نهصد میلیون دلار واردات داشته‌ایم نمی‌توانیم چند دستگاه پیکان به آنها بفروشیم؟ خصوصاً که Final Assembly را هم برده باشیم روی کشتی! از طرفی ممکن است عده‌ای دیگر از معاندین سقوط یک هواپیما، یا کشته شدن سی دانشجو در یک تصادف جاده‌ای، و یا تأخیر قطارها و مختصر خرابی راهها و این قبیل امور را بهانه قرار دهند و نق نق بزنند و حواس وزیر عزیز راه و ترابری ما را از اموری به آن اهمیت به اموری پیش افتاده جلب کنند. لذا اینجانب به عنوان یک وظیفه ملی و مطبوعاتی از همه همکاران مطبوعاتی استدعا می‌کنم از انعکاس این قبیل اخبار و نق زدن خودداری کنند. اصلاً این نوع مطالب باید شدیداً و بی‌هیچ استثنا سانسور

شود. مسئولیت سانسور هم به گردن باریکتر از موی بنده که اگر گردنم باریک است، اما دنده پهنی دارم و صاحب تجارب ممتد و طولانی در تحمل انواع اتهامات و غیره و غیره هستم.

بنده می‌پذیرم هرکس هرچه می‌خواهد به وزیر راه عزیز ما نسبت دهد و ایشان را مسئول کند به من نسبت دهد و در عوض اجازه دهند ایشان همچنان در زمینه Final Assembly و مینیوم توقف، Theory، نظریه «انبار صفر»، Zero stock، WTO، Logistic and distribution، Just In Time و غیره و غیره به مطالعه و مکاشفه بپردازند.

بنده این مسئولیت را الکی نمی‌پذیرم. به این دلیل چنین مسئولیتی را می‌پذیرم که چون مطمئن هستم آینده ما در گروی همین مطالعات و مکاشفات است. و این قبیل مطالعات و مکاشفات از کسی ساخته نیست مگر از برادرانی چون وزیر عزیز راه و ترابری ما. و بر منکرش هم صد هزار لعنت. □

۱- تهران - خواری

۲- احباب - دوستان

۳- شوارع - راهها

۴- شعبده - نیرنگ، حقه‌بازی

۵- این اصطلاح به عنوان معادل تهاجم فرهنگی برگزیده شد!

۶- صنعت

۷- تجارت

۸- کشاورزی

۹- چلغوزه = بار درخت صنوبر را گویند. این واژه با چلغوزه که به معنی فلفل پرنده‌گان است اشتباه نشود!

محصولات پلاسکا زیبایی بخش منازل و محل کار شماست



محصولی جدید برای اولین بار در خاور میانه

- تنها رقیب سربلند انواع کاغذ دیواری خارجی در ایران
- ضد آب و قابل شستشو
- ثبات رنگ عالی در نور آفتاب
- حافظ حرارت مطبوع
- قابل نصب و تعویض آسان

در طرحها و رنگهای متنوع

دفتر فروش: تهران، خیابان دکتر شریعتی، جنب سینما سروش (مولن روژ) شماره ۲۶۳
تلفن: ۷۵۰۰۸۴ - ۷۵۰۰۸۵ فاکس: ۷۶۰۶۵۷
کارخانه و دفتر مرکزی: یزد تلفن: ۳۱۴۱۴

اصلاحیه مربوط به شرکت صنعتی بهشهر در ویژه نامه صنایع غذایی



وابسته به توسعه صنایع بهشهر

شرکت صنعتی بهشهر

تولید کننده

انواع روغن‌های نباتی با مارک

لادن و بهار

اداره مرکزی: خیابان میرزای شیرازی، کوچه سیزدهم، پلاک ۵۶/۲
تلفن: ۸ - ۸۳۰۱۶۷، فاکس: ۸۸۲۳۳۷۳، تلکس: ۲۱۶۵۹۲ BEHR
کارخانه: کیلومتر ۱۲ جاده قدیم کرج، صندوق پستی: ۳۱۸۱ - ۱۵۸۱۵
تلفن: ۴۰ - ۶۰۲۷۴۳۵، فاکس: ۶۰۲۷۰۱۳، تلکس: ۲۱۲۵۵۹ PAN IR